

## پرسشنامه اقتدار والدینی بوری (PAQ)

هدف: سنجش اقتدار والدین

ردیف	عبارات	شدیداً مخالف	مخالف	بی تفاوت	موافق	شدیداً موافق
1	در حالیکه من بزرگ می شدم مادرم احساس می کرد در خانه، بچه ها به همان راهی که والدینشان رفته اند خواهند رفت.					
2	مادر من احساس می کرد که برای همه ما خوب است که مجبور باشیم از هر چه او فکر می کند درست است پیروی کنیم، حتی اگر اچه ها با او موافق نبودند.					
3	در زمانی که من بزرگ می شدم هر گاه مادرم به من می گفت کاری را انجام دهم، از من انتظار داشت بدون هیچ سوالی سریع آن کار را انجام دهم.					
4	در زمانی که بزرگ می شدم، یکبار خط مشی و قوانین خانواده تدوین شد، مادرم در خانواده با بچه ها در مورد دلایل این خط مشی و قوانین صحبت می کرد.					
5	هر وقت که من احساس می کردم قانون ها و قید و شرط های خانواده، نامعقول است، مادرم همیشه با من در مورد آنها مذاکره و صحبت می کرد.					
6	مادرم همیشه احساس می کرد که چیزی که بچه ها نیاز دارند این است که برای ساختن فکرشان آزاد باشند و کارهایی را که می خواهند انجام دهند، انجام دهند، حتی اگر با آنچه که والدین شان می خواهند، مطابقت نداشته باشد.					
7	در زمانی که بزرگ می شدم، مادرم به من اجازه نمی داد در مورد تصمیماتی که می گیرد، سوالی بپرسم.					
8	در زمانی که بزرگ می شدم، مادرم فعالیت ها و تصمیمات بچه ها را در خانواده با استدلال و انضباط هدایت می کرد.					

				9	مادرم همیشه احساس می کرد، والدین برای اینکه فرزندان شان به همان شیوه ای که آنها می خواهند رفتار کنند، باید از اجبار و فشار بیشتری استفاده کنند.
				10	در زمانی که بزرگ می شدم، مادرم احساس نمی کرد که من نیاز داشته باشم از قوانین و مقررات پیروی کنم، فقط به خاطر اینکه شخصی مقتدر آنها را وضع کرده بود.
				11	در زمانی که بزرگ می شدم، من می دانستم مادرم در خانواده، از من چه انتظاری دارد، اما وقتی احساس می کردم آنها غیر منطقی هستند برای بحث کردن با مادرم در مورد آنها احساس آزادی می کردم.
				12	مادرم احساس می کرد والدین عاقل و خردمند باید سریع به فرزندان خود بیاموزند که، چه کسی در خانواده رئیس است.
				13	در زمانی که بزرگ می شدم، مادرم به ندرت برای رفتار من انتظارات و قواعدی را تعیین می کرد و به ندرت مرا راهنمایی می کرد.
				14	در زمانی که بزرگ می شدم، بیشتر اوقات مادرم کارهایی که بچه ها می خواستند را انجام می داد.
				15	در زمانی که بچه ها در خانواده بزرگ می شدند، مادرم به ما درباره راه ها و هدف های عاقلانه، دستورالعمل و راهنمایی هایی می داد.
				16	در زمانی که بزرگ می شدم، اگر سعی می کردم با مادرم مخالفت کنم بسیار عصبانی می شد.
				17	مادرم احساس می کند که اگر والدین فعالیت ها، تصمیمات و آرزوهای بچه هایشان را در خلال رشد محدود نکنند، مشکلات جامعه حل خواهد شد.
				18	در زمانی که بزرگ می شدم، مادرم به من اجازه می داد بدانم که او چه رفتاری را از من انتظار دارد، و اگر من از آنها پیروی نمی کردم، مرا تنبیه می کرد.

				19	در زمانی که بزرگ می شدم، مادرم به من اجازه می داد برای بیشتر کارهایی که به من مربوط بود بدون نظارت او تصمیم بگیرم.
				20	در زمانی که بزرگ می شدم، مادرم به نظرات بچه ها در تصمیم گیری هایش توجه می کرد. ولی فقط به این علت که بچه ها چیزی را می خواهند، تصمیمش را عوض نمی کرد.
				21	در زمانی که بزرگ می شدم، مادرم خود را مسئول هدایت و راهنمایی رفتار من نمی دانست.
				22	در زمانی که بزرگ می شدم، مادرم استانداردها و قوانین واضحی برای همه بچه ها در خانواده داشت، اما دلش می خواست که تمام استانداردها و قوانین با نیازهای هر یک از بچه ها به طور انفرادی سازگار باشد.
				23	در زمانی که بزرگ می شدم مادرم برای رفتار و فعالیت های من دستورالعمل داشت و از من انتظار داشت که از آنها پیروی کنم، اما او مایل بود به نگرانی ها و مشاغل من گوش دهد و در مورد دستورالعمل ها با من گفتگو کند.
				24	در زمانی که بزرگ می شدم مادرم به من اجازه می داد مسائل خانواده را از دیدگاه خود بنگرم، و به طور کلی به من اجازه می داد برای کاری که می خواستم انجام دهم خودم تصمیم بگیرم.
				25	مادرم همیشه احساس می کرد که اگر می توانستیم والدین را متقاعد کنیم که وقتی فرزندان شان کاری را که از آنها می خواهند، انجام نمی دهند به صورت سختگیرانه و دستوری با فرزندان شان رفتار کنند مشکلات جامعه حل می شد.
				26	در زمانی که بزرگ می شدم مادرم اغلب دقیقاً به من می گفت می خواهد من چه کاری انجام دهم و از من انتظار چه کاری دارد.
				27	در زمانی که بزرگ می شدم مادرم برای رفتار و فعالیت های

					من دستورالعمل واضحی داشت، ولی همیشه وقتی من با او مخالف بودم، مرا درک می کرد.
				28	در زمانی که بزرگ می شدم مادرم رفتارها، فعالیت ها و آرزوهای بچه ها را در خانواده کنترل نمی کرد.
				29	در زمانی که بزرگ می شدم می دانستم مادرم در خانواده از من چه انتظاری دارد و او اصرار داشت که من فقط به خاطر احترام به اقتدار و بزرگتر بودن او از دستوراتش پیروی کنم.
				30	در زمانی که بزرگ می شدم اگر مادرم در خانواده تصمیمی می گرفت که مرا اذیت می کرد، خواستار این بود که در مورد آن تصمیم با من گفتگو کند و اگر تصمیم او اشتباه بود قبول می کرد.

\*\*\*\*\*

### پرسشنامه اقتدار والدینی بوری (PAQ<sup>1</sup>)

#### مقدمه و تعریف

با توجه به تاثیر شیوه های فرزندپروری بر عزت نفس انسان، پژوهشگران شیوه های فرزندپروری را بر اساس دو بعد «پذیرندگی-پاسخ دهنده» و «توقع داشتن-کنترل» طبقه بندی نموده اند. با توجه به این ابعاد با مریند سه نوع الگوی رفتاری والدین را ارائه نمود، الف) الگوی رفتاری مقتدرانه، ب) الگوی رفتاری مستبدانه و ج) الگوی رفتاری آسان گیر. والدین دارای الگوی رفتاری مقتدرانه در امر تربیت فرزند خود کنترل و گرمی زیاد، والدین مستبد کنترل زیاد و گرمی کم، والدین آسان گیر کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می نمایند. هر کدام از شیوه های فرزندپروری پیامدهای متفاوتی دارد. شیوه فرزندپروری مقتدرانه و اطمینان بخش باعث می شود فرزندان سرزنده، شاداب، دارای عزت نفس بالا و خودکنترلی بالا باشند و همین امر باعث می شود که در دوره نوجوانی، از سطح بالایی جرات و موفقیت

<sup>1</sup> . Parental Authority Questionnaire

برخوردار باشند. خانواده ها با شیوه فرزندپروری مستبدانه احتمالاً فرزندان مضطرب، ناشاد و ناسازگار تربیت می کنند. شیوه فرزندپروری آسان گیر باعث می شود فرزند تکانشی، نافرمان، سرکش و متوقع و وابسته بار بیاید و عملکرد ضیفی در مدرسه از خود نشان دهد. بامریند روی نقشی که اقتدار یا کنترل والدین در ایجاد شایستگی سازنده در کودکان دارد، تمرکز داشت. بامریند و شایستگی سازنده را به عنوان مسئولیت پذیری اجتماعی، استقلال، گرایش به پیشرفت و سرزنده بودن تعریف نمود. بامریند در طی مطالعات خود دریافت سبک مقتدرانه در شکل دهی شایستگی سازنده در کودکان پیش دبستانی بیشترین اثربخشی را داشت. مطالعات وی نشان داد که کودکانی که با سبکهای مستبدانه و آسان گیر بار می آمدند شایستگی سازنده کمتری داشتند (سپهریان آذر و همکاران، 1392).

### شیوه نمره گذاری

پرسشنامه اقتدار والدینی (PAQ) توسط جان آر. بوری<sup>2</sup> (1991) ساخته شده است که از 30 گویه و 3 خرده مقیاس سبک آسان گیر (10 سوال)، سبک مستبدانه (10 سوال) و والدین سبک مقتدر منطقی (10 سوال) تشکیل شده است که به منظور سنجش اقتدار والدین بکار می رود.

فرم های پدر و مادر به جز با اشاره های مناسب به واژه پدر یا مادر یکسان هستند. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت 5 نقطه ای می باشد که برای گزینه های «شدیداً مخالف»، «مخالف»، «بی تفاوت»، «موافق» و «شدیداً موافق» به ترتیب امتیازات 1، 2، 3، 4 و 5 در نظر گرفته می شود.

عنوان	شدیداً مخالف	مخالف	بی تفاوت	موافق	شدیداً موافق
امتیاز	1	2	3	4	5

نمره گذاری هر خرده مقیاس با جمع کردن امتیازات مربوط به هر یک از خرده مقیاس ها بدست می آید.

<sup>2</sup>. John R. Buri

حداقل نمره فرد در هر یک از زیرمقیاس ها 10 و حداکثر نمره فرد در هر یک از زیرمقیاس ها 50 است.

این پرسشنامه دارای 3 بعد بوده که در جدول زیر ابعاد و نیز شماره سوالات مربوط به هر بعد ارائه گردیده است:

ردیف	خرده مقیاس	سوالات	تعداد سوال
1	سبک آسان گیر	1-6-10-13-14-17-19-21-24-28	10
2	سبک مستبدانه	2-3-7-9-12-16-18-25-26-29	10
3	سبک مقتدر منطقی	4-5-8-11-15-20-22-23-27-30	10

برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات تک تک سوالات را با هم محاسبه نمائید. برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات مربوط به سوالات آن بعد را با هم محاسبه نمائید.

### روایی و پایایی

نتایج پژوهش های اسفندیاری، (1374)، رضایی، (1375) و مهرفروز، (1378) به نقل از فراهانی (1386)، نشان دادند که این پرسشنامه از مشخصه های روانسنجی مناسب برای اندازه گیری دیدگاه اولیه بامریند (1971) در زمینه شیوه های فرزندپروری می باشد (اژه ای و همکاران، 1390).

بوری آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای سبک مقتدر منطقی 0/85، سبک مستبدانه 0/87 و آسان گیر 0/74 گزارش نموده است. اژه ای و همکاران در جدیدترین پژوهش آلفای این مقیاس را برای سبک مقتدرانه، مستبدانه و آسان

گیر به ترتیب 0/89، 0/95 و 0/84 گزارش نموده اند. در پژوهش سپهریان آذر و همکاران (1392) نیز ضریب همسانی درونی این مقیاس با آلفای کرونباخ به ترتیب 0/72، 0/73 و 0/70 به دست آمد.

پرسشنامه اقتدار والدینی با دامنه ضرایب آلفا از 0/74 تا 0/87 برای خرده مقیاس ها، از همسانی درونی خوبی برخوردار است. ثبات PAQ با پایایی بازآزمایی با طول مدت 2 هفته با دامنه ضرایب از 0/77 تا 0/92، نیز خیلی خوب است.

بوری (1991) برای مشخص کردن روایی پرسشنامه از روش روایی افتراقی استفاده نموده و نتایج آن بدین صورت است که سبک آمرانه مادر با سبک سهل گیر مادر رابطه معکوس (0/38-)، سبک آمرانه پدر با سبک سهل گیر پدر رابطه معکوس (0/50-)، سبک آمرانه مادر با سبک اقتداری مادر رابطه معکوس (0/48-)، سبک آمرانه پدر با سبک اقتداری پدر رابطه معکوس (0/52-) داشت، در حالی که سبک اقتداری مادر با سبک سهل گیر مادر (0/07) و سبک اقتداری پدر با سبک سهل گیر پدر (0/12) همبستگی مثبت غیر معنادار داشتند. این پرسشنامه توسط اسفندیاری (1374) ترجمه و با تغییراتی مورد استفاده قرار گرفته است. روایی محتوای پرسشنامه براساس داوری 10 صاحب نظر در زمینه روان شناسی و روانپزشکی خوب گزارش شده است (بشارت و همکاران، 1390).

اسفندیاری (1374) پایایی بازآزمایی این پرسشنامه را که بعد از گذشت یک هفته از اجرای اولیه، مجدداً از 12 نفر از مادران نمونه مورد مطالعه، خواسته بود تا پرسشنامه را تکمیل کنند برای شیوه سهل گیر (0/69)، برای شیوه آمرانه (0/77) و برای شیوه اقتداری (0/73) بدست آورده است (بشارت و همکاران، 1390).

\*\*\*\*\*

منبع: سپهریان آذر، فیروزه؛ امانی ساری بگلو، جواد؛ محمودی، حجت. (1392). عزت نفس نوجوانان و سبک های فرزندپروری: نقش واسطه ای برآورده شده نیازهای روانشناختی اساسی. مجله علوم رفتاری، دوره 7، شماره 2، تابستان 1392، صفحات: 158-151.

منبع: اژه ای، جواد؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ مال احمدی، احسان؛ خضری آذر، هیمن. (1390). الگوی علی روابط بین سبک های فرزندپروری ادراک شده، اهداف

پیشرفت، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی. مجله روانشناسی 59، سال پانزدهم، شماره 3، پاییز 1390.

منبع: بشارت، محمدعلی؛ عزیزی، کورش؛ پورشریفی، حمید. (1390). رابطه سبک های فرزندپروری والدین با کمال گرایی فرزندان در نمونه ای از خانواده ایرانی. فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره 26، تابستان 1390.

**Reference:** Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monographs*, 4(1, Part 2)

**Reference:** Buri, J. (1991). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.

**Reference:** Ribeiro, L. L. (2009), CONSTRUCTION AND VALIDATION OF A FOUR PARENTING STYLES SCALE . A Thesis (M.A.)–Humboldt State University, Psychology: Counseling

**Reference:** John R. Buri, Department of Psychology, University of St. Thomas, 2115 Summit Avenue, St. Paul, MN 55105.

\*\*\*\*\*

